

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political-Satire

سیاسی - طنز

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۱۸ مارچ ۲۰۱۵

کابینه مگر سنگ شده؟؟؟

طنز

از انجا که ما، در اصل جریان دولت "وحدت ملی" قرار نداریم، قضاوت‌های ما از دور، به مصداق مثل مشهور «سیربین عقل چل وزیر را دارد» با عقل چهل وزیر صورت میگیرد، که به نظر من، این قضاوت‌ها بعضاً غیر عادلانه است، که میگوئیم:

آقایون «عین و غین» باهم سازش و همدلی ندارند، قحط الرجالی ست، اشخاص متخصص و کارفهم موجود نیست، بر افغانان مقیم خارج که سر میدهند و تابعیت دوگانه را از دست نمیدهند، اعتبار و یا باور ندارند، ... اینها همه به فحوائی بر غندی خیر نشستن و قضاوت کردن است. اما از انجا که به حیث یک افغان، از حال خراب وطن ناراحتیهائی در دل ما هست، به خود حق میدهم با این انتقادهای فقط درد دل خود را تسکین بدهیم و اصل حقیقت را که سخن از کجا سرچشمه میگیرد و یا چه موانعی سر راه دو پادشاه در یک اقلیم، که یکی مکرر بطرف حج و دیگری اولین بار بطرف کج سفر کرده است، وجود دارد، بکلی بیخبر میباشیم. درین جای شک نیست، که آقایان در هنگام کمپاین انتخاباتی به کل و کوری وعده و وعیدهای وزارت و سفارت داده اند، که فکر میکنم، عدم وحدت فکر از همین جا شروع میشود، به این معنی که آقای که در جریان کمپاین، به نفع «عین» و مذمت «غین» گلو پاره کرده است، از نگاه آقای غین مستحق هیچ مقام و منزلتی در دستگاه نیست، حتی شایسته محاکمه و رفتن در زندان پل چرخ است. همچنان است در مورد پیروان آقای «غین»، به بارگاه آقای «عین» که باید به چنین مذلتی محکوم باشند.

به هر حال هرچه هست، آنها مشکلات بزرگتر، از جمله، زورآزمائی با دشمن محیلی که هزاران وحدت ملی را پشت «نخود سیاه» روان کرده و به وحشت ملی مبدل ساخته است رو برو هستند. با همه این مشکلات که دولت با آن پنجه میدهد، مردم انتظار و آرزو دارند که بیش

ازین با سرنوشت شان بازی نشود و در معرفی کابینه اقدام عاجل صورت بگیرد. خواستم با درک سنگینی این انتظار دوستان در سراسر جهان منظومه طنزگونه ای ترتیب نمایم، که از نظرتان میگذرد:

در وحدت ملی سعه سینه کجا شد	آن وعده و همدردی بی کینه کجا شد
با مشورت همدگر و دور ز مردم	کابین چقدر بوده و کابینه کجا شد
از وحدت شان قربت و وصلت شده ایجاد؟	آئینه و مصحف شده، پس خینه کجا شد
گویند، که ما خینه پس از عید نخواهیم	آخر مثل مردم پیشینه کجا شد
شارید سر زانوی مردم ز تکاپو	ما از که پرسسیم، که آن پینه کجا شد
دیری ست، که مردم همگی چشم براهند	آن وعده پارینه و دیرینه کجا شد
ما هیچ کسی را به خدا پاک ندیدیم	دلهای پر از الفت و بی کینه کجا شد
بوزینه خصالند همه صدرنشینان	آن کاشف نسل نو بوزینه کجا شد
هشدار که دشمن سر بامت برد آخر	تا باز پرسسیم، که آن زینه کجا شد
در کشور ما یاد کفنیوش قدیم است	آن طعنه کش که نه و پارینه کجا شد
حال بد این ملک ز سرچشمه خراب است	پس عامل ویرانی سرچینه ۱ کجا شد
آن بازوی پر قدرت مردی که بسازد	آبادی این ملک، نهادینه کجا شد

رفته ست «اسیر» از کف ما نعمت وحدت

آن دوره بی فتنه و بی کینه کجا شد

۱ - "سرچینه" در پشتوی عزیز، "سرچشمه" را گویند

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، ۱۴ مارچ ۲۰۱۵ ع)